۱۹. رؤیت هلال (۱۴۰۳/۰۸/۱۹)

موضوع: شنبه،۱۹ آبان ۱۴۰۳ - سال تحصیلی (۱۴۰۳-۱۴۰۴)

- پیش‌گفتار(چکیده)
- تهافت معیار اشتراک افق با میقاتیت هلال
- تفاوت محمد عوده و احمد منذر در نقشه رویت پذیری هلال
- توضیح نقشه رویت پذیری احمد منذر
- تقویم کل کره و رویت قبل از زوال در نصف النهار دحو الارض

پیش‌گفتار(چکیده)

موضوع اصلی:
رؤیت پذیری هلال.

موضوعات فرعی:
هلال جمادی الاول1446، تهافت اشتراک افق با میقاتیت، توضیح معیارهای رؤیت پذیری و بیان تفاوتها، نقد تطبیقی مبنای اشتراک افق با هلال ماه صفر امسال، تقویم جهانی و خط دحوالارض

تهافت معیار اشتراک افق با میقاتیت هلال

(00:28)

بحث ما سر کسوف و خسوف بود؛ به مناسبت هلال این ماه جمادی الاولی که اختصاصی داشت، جلسه قبل را به این مطلب اختصاص دادیم. تقریباً جمع‌بندی همه مباحثه این چند سال بود. آقا فرمودند خلاصه چه شد؟ یک شنبه می‌تواند اول ماه جمادی الاولی باشد یا نه؟

عرض من این است: برای فضای مباحثه می‌خواهیم چیزهایی پیدا کنیم که وقتی بعداً باحثین آن نکات را در نظر می‌گیرند، بحث بهراحتی پیش برود و به توافق جمعی برسند. این برای مباحثه خیلی مهم است. اینکه یکی از مختارها را بگیریم و تقویت کنیم، این یک چیز است. نه، بلکه می‌خواهیم توافق ذهنی بین باحثین بشود. نه فقط مباحثه ما، بلکه همه کسانی که بعداً می‌آیند این نکات را پیدا کنند. چند نکته را در این مباحثه عرض کردم؛ یکی همین بود که در جلسه قبل، در این ماه جمادی الاولی پیش آمد. فلذا عرض کردم خلاصه همه بحث‌ها می‌شود.

ببینید ما یک اشتراک افقی داریم که مشهور طبق آن فتوا داده‌اند. الآن هم کسانی که مدافع اشتراک افق هستند و به‌شدت از قول مشهور دفاع می‌کنند، علی ای حال به جایی می‌رسند که برای بحث‌های آینده نکته‌های بسیار مهم است؛ الان من از رساله مرحوم تهرانی می‌خوانم صفحه چهل و یک که مربوط به خسوف و کسوف بود. همین که بحث راجع به خسوف تمام می‌شود، منظور من را شروع می‌کنند. می‌فرمایند:

> **نعم يبقى هنا سؤال معرفة مناط اتّحاد الأُفق و اختلافه. و الذي يمكن أن يُعْزى بعضَ الأعلام إلى الميل إلى برفض مسألة الاتّحاد في الآفاق بالنسبة إلى دخول الشهر و عدم تعيين مناطٍ خاص لهذه المسألة في كتب النّجوم والهيئة.... و الذي يسهّل الخطب أوّلاً: أ نّ عدم تعيين الآفاق لا يوجب رفع اليد عن الحكم الذي بيّناه و الالتزامَ بخلافه الذي لا يمكن الالتزام به . و ثانياً: أنّ الاتّحاد و الاختلاف في الآفاق بالنسبة إلى رؤية القمر هو الاتّحاد و الاختلاف في مطالعه كما عليه العلماء. و الذي ألهمنا الله تبارك و تعالى في ضبط قاعدة كلّيّةٍ للآفاق المتحدة بالنسبة إلى مطالع القمر، هو الاستمداد من زمان غروب القمر في النواحي المختلفة؛ و هو الرابطة بين الزمان و المكان. لكنّ القمر لم يطلع في جميع الشهور على نسق واحدٍ.. . و معلوم أنّه لا يتيسّر لنا الوصول إلى هذا المرام إلاّ بحساب رياضيّ دقيقٍ جدّاً لكلّ شهرٍ بحذائه[1]**

«نعم يبقي هنا ...»؛ بعد از اینکه خسوف و کسوف و رؤیت را گفتند، می‌فرمایند: **«سؤال معرفة مناط اتّحاد الاُفق و اختلافه»؛** شما می‌گویید بلادی که در افق مشترک هستند، خب چه بلادی در افق مشترک هستند؟ حدود دو صفحه بحث کرده‌اند. از صفحه چهل و سه شروع می‌شود.

«و الذي يمكن أن يُعزى بعض ٰالأعلام إلى الميل إلى برفض مسألة الاتّحاد في الآفاق بالنسبة إلى دخول الشهر وهو عدم تعيين مناطٍ خاص لهذه المسألة في كتب النّجوم والهيئة»؛ من می‌خواهم عرض کنم این چیزی که شما می‌فرمایید، «یغری بعض الاعلام» نیست. بلکه «یغری کل واحد ینظر فیه و یتأمّل » است. شما می‌گویید اشتارک افق شرط است، بعد می‌گوییم خب کجا است؟ می‌گویید ضابطه ندارد، خیلی دقیق است، باید محاسبه دقیقه بشود.

«و الذي يسهّل الخطب أوّلاً»؛ از ادله معلوم است که اشتارک افق شرط است. **«و ثانياً: أنّ الاتّحاد و الاختلاف في الآفاق بالنسبة إلى رؤية القمر وهو الاتّحاد و الاختلاف في مطالعه كما عليه العلماء».**

«و الذي أهمنا الله تبارك و تعالى في ضبط قاعدة كلّيّةٍ للآفاق المتحدة بالنسبة إلى مطالع القمر، وهو الاستمداد من زمان غروب القمر في النواحي المختلفة؛ و هو الرابطة بين الزمان و المكان»؛ ایشان زمان و مکان را دخالت می‌دهند. ان شاءالله خودتان مراجعه کنید. تا اینجا که منظور من است؛ می‌فرمایند با این توضیحی که ما دادیم، **«لكنّ القمر لم يطلع في جميع الشهور على نسق واحدٍ»**؛ با این توضیحاتی که دادیم نمی‌توانیم بگوییم قم با فلان شهر مثل دامغان اشتارک افق دارند ای ندارند. چون در هر ماهی فرق می‌کند.

«و معلوم أنّه لا يتيسّر لنا الوصول إلى هذا المرام إلاّ بحساب رياضيّ دقيقٍ جدّاً لكل شهرٍ بحذائه»؛ این مناطی که ایشان می‌گویند خدا به ما الهام کرده، برای هر ماهی باید محاسبات دقیق ریاضی انجام بدهیم تا بگوییم دو شهر هم افق هستند ای نه. عجب میقات عرفی ای شد! ببینید وقتی کسی که مدافع میقات و مدافع عرفیت است، در بیان خودش می‌گوید برای اینکه حرف ما گفته شود، هر ماه به محاسبات دقیق ریاضی نیاز داریم. این تهافت نیست؟! همین را از أسئلةٌ هم عرض کردم؛ در أسئلةٌ فرمودند: میقات را باید همه مردم ببینند. حرف استادشان را در أسئلةٌ رد کردند به اینکه میقات باید عرفی باشد. اما درجایی‌که فتوایشان عوض شد و فرمودند قبلاً می‌گفتیم تمام بلاد شرقی که ببینند برای تمام بلاد غربی کافی است، بعد فرمودند نه، اگر عرضش زیاد باشد چون ممکن است در بلد شرقی ببینیم اما در بلد غربی نداشته باشند، نزد ما کافی نیست. چون بلد غربی ولو غربی است اما در افقشان هلال ندارند. بعد گفتند خب چطور معلوم می‌شود؟ فرمودند همینطور که نمی‌توانیم بگوییم. همین تعبیری را داشتند؛ نیاز به محاسبات دقیق فنی ریاضی هست. خب پس چه شد؟! شما خودتان دوباره می‌گویید برای اینکه ببینیم کافی هست ای نیست، نیاز به محاسبات دقیق فنی دارد. پس اشتارکی هم که می‌گویید قبول است، باز برای تمییزش نیاز به محاسبات است. لذا از میقاتیت در رفت، از عرفیت در رفت!

این را برای چه عرض می‌کنم؟ برای اینکه در این فضا می‌بینیم که دوباره یک نحو در مبانی مشهور[تهافت است]؛ این نکات یادداشت کردنی است. آدم این را از دو کتاب مهم یادداشت کند. باباً خود شما طبق مبانی مشهور اینها را فرمودید، وقتی اینها را فرمودید پس چطور شد که نیاز به محاسبه است؟!

---

[1] رسالة حول مسألة رؤية الهلال، ص ۴۳-۴۶

تفاوت محمد عوده و احمد منذر در نقشه روی پذیری هلال

(8:30)

خب حالا این را عرض کنم؛ با این توضیحی که جلسه قبل راجع به ماه جمادی دادم، یکشنبه اول ماه است یا دوشنبه؟ در یکشنبه در نیمکره شمالی حتی با تلسکوپ هم ندیدند. ندیدم بعضی فرموده بودند گزارشی در اصفهان شده که دیده‌اند. ببینید در آن چه که در سایت ثبت شده و تذکر داده‌اند، نگفته این که در اصفهان دیده‌اند، بلکه گفته ثبت تصویر هلال. این نکته ظریف را تذکر دادند و فرستادند. اگر عمومی هم فرستاده بشود خوب است. ثبت تصویر هلال عینی در اصفهان با دستگاه الکترونیکی تصویر هلال ثبت شده است. نه این‌که با چشم و با تلسکوپ ببینند. خیلی تفاوت است. لذا کسانی که می‌گویند با تلسکوپ مجزی است، همان‌ها می‌گویند ثبت تصویر آن محل اشکال است. عینی شما نمی‌توانید با تلسکوپ ببینید اما با دستگاه ccd ثبت تصویر شده. همان‌هایی که تلسکوپ را قبول دارند، این را قبول ندارند. این محل اشکال می‌دانند. بنابراین در نیمکره شمالی ندیده‌اند اما در منطقه‌ای از اصفهان تصویر هلال ثبت شده است.

خب در شب یکشنبه در نیمکره شمالی حتی با تلسکوپ هم ندیدند. خب اینجا باید چه بگویم؟ آن چه که برای من بسیار مهم بود و تأکید کردم، این بود که شکل‌ها را ببینید. بعد از مباحثه آقایان فرمودند ما که شکل را ندیده‌ایم، شما چه می‌گویید؟! من عرض کردم آقای احمد[d1] عوده ردین است، یک نرم‌افزار جدیدی برای رؤیت هلال نوشته است. نرم‌افزار خوب و ممتعی است. اما تفاوت نرم‌افزار ایشان با نرم‌افزار احمد منذر[d2] که سال‌ها در دست‌ها است والآن هم اهل فن شکل‌های نرم‌افزار احمد منذر[d3] را می‌آورند؛ آن چه که عرض کردم و گذاشتند، برای احمد منذر[d4] است. همین است که من توضیح می‌دادم. صاحب آن کانال زحمت کشیده بودند و دقیقاً نوشته بودند. اگر به آن شکل نگاه کنید در ذهنتان واضح است. چون زحمت کشیده بودند و نوشته بودند.

آقای احمد [d5] عوده معیار ایلوپ را می‌آورد، اما تفاوتش با نرم‌افزار احمد منذر [d6] این است که احمد[d7] عوده دیگر عمر هلال را نمی‌آورد. عمر هلال را نیاورده است، لذا در شکل احمد[d8] عوده خط غروب که محور عرض من بود را نیامده است. لذا شما در نرم‌افزار احمد [d9] عوده نرویدی و معیار ایلوپ را بزنید. احمد [d10] عوده در آن سه‌می سه لایه درست می‌کند، ایلوپ چهارتا درست می‌کند؛ لایه اول تلسکوپ، لایه دوم جایی است که با تلسکوپ پیدا می‌کنید و با چشم می‌بینید، در لایه سوم اگر شرائط خوب باشد می‌بینید. در لایه چهارم بسیار واضح دیده می‌شود. اما احمد [d11] عوده سه تا دارد؛ وقتی معیار ایلوپ را در نرم‌افزار احمد [d12] عوده می‌آوردی، چهارتا لایه در سه‌می می‌آورد اما فقط لایه‌ها رنگ‌های جدایی دارند. این خیلی مهم است. هر لایه‌ای یک رنگی دارد. لایه روی سه‌می و لایه دوم یک رنگی دارد. این برای خود او خوب است ولی مقصود ما را لوث می‌کند، از مقصود ما فاصله می‌گیرد.

[d1]????? ??? ????? " ????" ???

[d2]?? ????? ?? "????? ????" ????? ???

[d3]// // //

[d4]?? ????? ?? "????? ????" ????? ???

[d5]????? ??? ????? " ????" ???

[d6]?? ????? ?? "????? ????" ????? ???

[d7]????? ??? ????? " ????" ???

[d8]// //

[d9]// //

[d10]// //

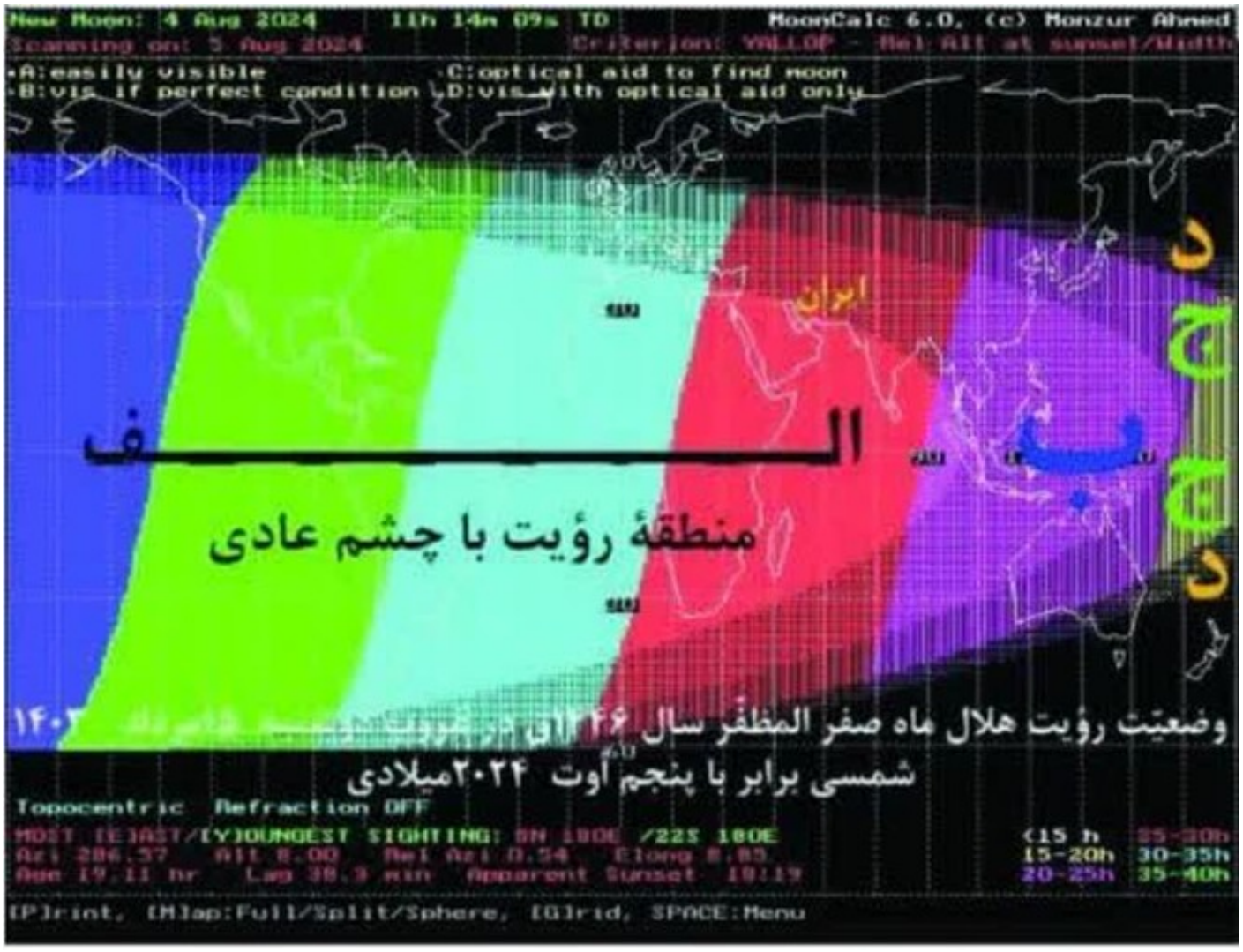
[d11]// //

[d12]// //

توضیح نقشه رویت پذیری احمد منذر

(13:08)

به شکل قبلی برگردید و ببینید؛



در این فایل نوشته اند: منطقه الف، منقطه ب، منطقه ج و منطقه د. دال آن جایی است که تنها با تلسکوپ میتوان دید. در پایین شکل سمت راست، با رنگ سفید نوشته از ساعت صفر تا پانزده. یعنی هر کجا سفید است، سن هلال تا پانزده ساعت است. بعد رنگ زرد است. به خلاف احمد [d1] عوده که رنگ برای خود لایه بود.

شاگرد: این شکل؟

استاد: نمی‌بینم. اگر ستون های رنگی دارد همین است. اگر لایه‌ها رنگی است، بحث ما نیست. ببینید در این لایه‌ها احمد منذر [d2] چهار گزینه را به کار برده. آقای عوده فقط طول جغرافیایی و عرض جغرافیایی و لایه‌های رؤیت پذیری را ذکر می‌کند که این لایه‌ها رنگی شده. اما در احمد منذر[d3] ، طول جغرافیایی و عرض جغرافیایی و لایه‌های رؤیت پذیری و عمر هلال را ذکر می‌کند. سن هلال در هر افقی در وقت خط غروب را ذکر می‌کند. این چهارمی در آن نرم‌افزار عوده حذف شده است. ولی مهم است. اینجا در دست راست پایین صفحه دارد سن هلال را توضیح می‌دهد. اگر رنگ زرد است، پانزده تا بیست ساعت است. اگر سن هلال را با رنگ‌ها توضیح داده، پس رؤیت پذیری و لایه‌های سه‌می را با چه چیزی توضیح داده؟ لایه‌های سه‌می را با نقاط نشان داده. می‌گوید اگر هر لایه‌ای را با یک نقطه نشان دادم یعنی فقط با تلسکوپ دیده می‌شود. هر لایه‌ای که با دو نقطه نشان می‌دهم باید آن را با تلسکوپ پیدا کنید و بعد ببینید. هر لایه‌ای که با سه نقطه نشان می‌دهم پر شده یعنی اگر شرائط خوب باشد هلال را می‌بینید. هر لایه‌ای که در پیکسل و جزءالیتجزایش چهار نقطه با هم جمع شده، آن جا به‌راحتی دیده می‌شود.

شاگرد: نقطه ها کجاست؟

استاد: ببینید الآن در منطقه الف، چهار نقطه با هم جمع شده و پررنگ شده. ولی این جایش رنگ قرمز است چون سن هلال را نشان می‌دهد. همین‌جا رنگ آبی دارد سن بیشتر را نشان می‌دهد. اما وقتی به طبقات بالا بروید اینجا دیگر سه نقطه است، این دو نقطه و این یک نقطه. لای بالای فقط با یک نقطه است.

شاگرد: تراکمش کمتر می‌شود.

استاد: بله. توضیحش بالا آمده است. می‌گوید « A: easily visible»، یعنی به‌راحتی آشکار است. چهار نقطه است که به هم متصل شده و مربع درست کرده. در b یک بعلاوه است. در اینجا یک خط است. در این یکی که فقط با تلسکوپ است، یک نقطه است.

شاگرد۲: آن خط چیست؟

استاد: جایی است که فقط باید با تلسکوپ پیدا کنند ولی بعد می‌توانند با چشم ببینند. ولی حتماً برای دیدنش به تلسکوپ نیاز است. این یکی از چیزهایی بود که ما روی آن خیلی تأکید کردیم. کسانی که می‌گویند از اول اسلام تلسکوپ نبوده و ... ، در حالی که با این مالکاهای علمی از قدیم تا به حال شهرهایی داشته‌ایم که با چشم عادی می‌شده ببینند ولی چون تلسکوپ نداشتند نمی‌توانستند ببینند. الآن با تلسکوپ پیدا می‌شود و بعد همه می‌بینند. حال مجزی هست یا نیست؟ فتوای همه این است که مجزی است. خب پس همه عیدهای این بالا از اول اسلام تا به حال خراب می‌شود. یعنی همان اشکالی که به دیگران می‌کنید برای لایه دوم این سه‌می وارد است. اینها نکات یادداشت کردنی است.

شاگرد: منظورتان از نقطه همان طرف خط است؟

استاد: الآن این یک نقطه است و زیرش علامت جمع است. یعنی آن جا دیگر درآمده است. این علائم مربوط به چهار لایه است. یک نقطه، یک خط عمودی، یک علامت جمع که یعنی سه نقطه، و چهار نقطه. این خیلی مهم است. حتماً با این شکل انس بگیرید. مرتب نگاه کنید. هر دفعه ای که نگاه می‌کنید یک چیز جدید خوبی به ذهنتان می‌آید.

شاگرد۲: اینکه چندتا کنار هم هست، یعنی با همه اینها می‌تواند دید؟ خطها کنار نقطه است، هر خطش در خیلی از جاها یک نقطه دارد.

استاد: خب این برای بلدا مختلف است. ببینید خطهای عمودی عرض جغرافیایی است. خطهای افقی طول است. لایه‌های سه‌می، مربوط به امکانیت رؤیت پذیری است. رنگهایی که مرحله مرحله هست مربوط به عمر هلال است. به خلاف [نرم‌افزار] عوده که رنگها برای لایه بود، مهم در این شکل این است که از رنگها برای لایه ها استفاده نکرده است. از رنگ برای سن هلال استفاده کرده که خیلی پر فایده است. چرا؟ چون وقتی از رنگ برای عمر هلال استفاده کرده، این خط رنگی خط غروب را روی کل کره به شما نشان می‌دهد. ولذا اگر شکلهای احمد مذر[d4] را روی نرم‌افزار ببینید، لایه‌های رنگی در مرداد ماه و خرداد ماه برعکس می‌شود، در دی ماه سرش بر می‌گردد. چون این لایه‌های رنگی خط غروب کل کره را نشان می‌دهد. اشتراک افقی که جلسه قبلی می‌خواستم روی آن تأکید کنم؛ خط غروب روی کل کره.

لذا اینکه فرمودند حاصل عرض من چیست، اگر بخواهیم طبق مبنای میقاتیت بلدا و طول و عرض جغرافیایی بحث کنیم، دوشنبه اول ماه می‌شود. به‌خاطر اینکه در کل نیم کره شمالی حتی با تلسکوپ هم قابل رؤیت نبود. اما اگر نگاه ما در رؤیت هلال، نظم کره است، می‌خواهیم کل کره یک تقویم اسلامی داشته باشد، می‌خواهیم کل کره نظم داشته باشد، تردیدی ندارم که در این ماه جمادی الاولی یک شنبه اول ماه است. ببینید با دو مبنا چقدر تفاوت می‌کند! یعنی اگر نگاهتان این است که می‌خواهید با احکام شرعی به کل کره نظم بدهید، طبق ادله اثباتیه به‌وضوح یک نظم تقویمی برای میقات کل کره درست می‌کنید. خب مسلمین میقات می‌خواهند. میقات کدام مسلمانها؟ مسلمانان این بلدا دون آن بلدا؟! اما اگر بگویید میقات کل مسلمین به‌عنوان قاطنین کل کره زمین، روی مبنایی که من عرض کردم تردیدی نیست که یک شنبه اول ماه می‌شود. چرا؟

در این شکلی که دارم نگاه کنید؛ حتی در بخشی از یمن می‌توانستند با تلسکوپ ببینند. الآن در این تصویری نگاه کنید، خیلی خوب است. ایران که بالا است، در منطق سیاه است که اصلا با تلسکوپ هم نمی‌توانند ببینند. به خلیج‌فارس می‌آیید؛ باز هم با تلسکوپ نمی‌توانند ببینند. چون داخل در لایه اول نیستند. همینطور تا یمن می‌آیید، شاید مکه مکرمه هم می‌توانستند با تلسکوپ ببینند. علی ای حال یمن و دریای عدن کاملاً در لایه رؤیت با تلسکوپ هستند.

شاگرد: در یمن که بعلاوه است. یعنی اگر هوا خوب باشد با چشم عادی هم می‌توانند ببینند.

استاد: الآن جایی که من می‌بینم که یک نقطه است. هر چه تفکیک پذیری بالاتر برود، نقاط روشن‌تر می‌شود. علی ای حال در یمن می‌توانستند ببینند. بعد که پایین‌تر می‌روید لایه دوم در آفریقا است که پایین‌تر از حبشه می‌شود. الآن نمی‌دانم کشورهایی که در دماغه راست آفریقا است، چیست. سومالی است؟

شاگرد۲: جاهایی که فقط خط عمودی سیاه است، چیست؟

استاد: این لایه دوم است. توضیح داده که در لایه دوم فقط یک خط عمودی داریم. چون این تصویری در کنار قرار گرفته به‌صورت پررنگ درآمده و الآ لایه دوم روی ضابطه ای که ایشان می‌دهد فقط یک خط کوچک عمودی داریم. در لایه سوم یک بعلاوه داریم. در لایه چهارم یه نقطه توپر داریم؛ مربع چهار نقطه‌ای داریم. این معلوم است. ضابطه را که در نظر بگیرید دیگر کاری به شکل ندارید.

شاگرد: چطور می‌شود که این خط برای کل کره می‌شود؟

استاد: الآن ما در چه خطی هستیم؟ از حیث خط غروب کجا هستیم؟ غروب ایران در چه خطی قرار می‌گیرد؟ در خط بنفش قرار می‌گیرد. یعنی اگر ما این را بالا ببریم، منطقه ایران در خط غروب ما -چون الآن زمستان است و زودتر غروب می‌کند- در منقطه بنفش قرار می‌گیرد. اینجا غروب است، همینطور بالا می‌آید، چون در زمستان هستیم به دست راست بر می‌گردد. اگر در خرداد ماه ببینید پایینش این طرف می‌آید و بالایش آن طرف می‌رود. خطی که مرز بین بنفش و قرمز است. چون تابستان آن‌ها است لذا غروبشان خیلی دیر می‌شود. لذا با غروب ایران شریک می‌شود. اما غروب این‌ها زودتر است؛ یعنی وقتی خط بالا می‌آید به این طرف میل می‌کند. چون نقاطی که در شمال هستند غروبشان زودتر صورت می‌گیرد.

شاگرد: خط غروب در مرز قرمز و آبی خیلی واضح است، چون تفاوت رنگ واضح است.

استاد: بله اینجا خیلی روشن‌تر است. خب حالا می خواهم عرض کنم که:

لایه چهارم که پررنگ است را نگاه کنید؛ سرِ لایه چهارم رنگ بنفش است؛ یعنی جاهایی داریم که در وقت غروبشان که در لایه رنگی همراه ما هستند، به‌وضوح می‌بینند. یعنی لحظه غروبشان با لحظه غروب ما یکی است. در همان لحظه‌ای که ما حتی با تلسکوپ نمی‌بینیم در همان لحظه آن‌ها در لایه چهارم می‌بینند. یعنی به‌وضوح می‌بینند. ابر هم باشد، ماه به قدری روشن است که به‌راحتی می‌بینند. فقط ابر غلیظ نباشد، اگر غبار هم باشد می‌بینند. نیازی به فراهم بودن شرائط نیست. یعنی در لحظه غروب ما در ایران، اصلِ هلال هلال به سنی رسیده که کسانی که در همین لحظه غروب با ما شریک هستند به‌راحتی و بدون هیچ مشکلی هلال را می‌بینند. خب اگر شما می‌خواهید برای کل کره تقویم بدهید، [آیا] برای مسلمانانی که آن جا هستند و به‌وضوح هلال را می‌بینند، معنا دارد که بگویی چون ما در نیمه کره شمالی نمی‌بینیم هنوز مسلمانان ماه اول ندارند. اصلاً این معنا ندارد. یعنی این قدر واضح است که اگر می‌خواهید برای کل مسلمین یک تقویم بدهید، نمی‌توانید یک تقویمی بدهید که آن‌ها به‌وضوح ماه را می‌بینند ولی به آن‌ها بگویید هنوز نشده! باید فکر دیگری کنید.

[d1]????? ??? ????? " ????" ???
[d2]?? ????? ?? " ????? ????" ????? ???
[d3]// //
[d4]?? ????? ?? : ????? ????" ????? ??? ???

تقویم کل کره و رویت قبل از زوال در نصف النهار دحو الارض

(43:00)

شاگرد۲: طبق فرمایش شما در خط زمان چه نوع رویتی مالک است؟ حتی ممکن است در جاهایی بشود که هیچ سکنه ای نیست.

استاد: وقتی میخواهیم برای کره تقویم بنویسیم، مثل جایی است که میخواهیم برای کل کره تقویم شمسی بنویسیم. چه زمانی اول فروردین کره است؟ نه اول فروردین ایران. گفتیم اول فروردین ایران درصورتیکه ساعت یک[بعد از ظهر] تحویل سال باشد، فردا است. اگر ساعت یازده است امروز است. اما اگر بخواهیم بگوییم در تقویم جهانی چه روزی اول فروردین است، ناچار هستیم که یک نصف النهار را مبدأ قرار بدهیم. اینجا امام علیه‌السلام دارند چه کار میکنند؟ دارند برای هر بلدی رویت قبل از زوال را میگویند؟ یک بحث است. اما اگر بگوییم نصف النهار دحو الارض که برای اول خلقت است، میزان است، میگوییم قبل از اینکه ظهر نصف النهار دحو الارض بشود چه زمانی هلال داریم؟ خیلی روشن است. ما یک تقویمی داریم که میبینیم در نصف النهار دحو الارض ساعت یازده محلی آن، هلال قابل رویت در آن جا داریم. نگویید یک ارضی در دریا هست ببینیم یا نبینیم. ما نسبت به نصف النهار اهلال هلال داریم. هلال ِنو شد و این اهلال هلال شده، پس در این نصف النهار وقتی هنوز ظهر و زوالش نشده، ما اهلال هلال داریم. پس «رئی قبل الزوال». پس اهلّ‌الهلال قبل از زوال نصف النهار دحو الارض. لذا ماه جدید شروع شده و «هذا الیوم من شوال». یعنی هذا الیوم لکل کره و تقویم کل کره من شوال.

شاگرد: بنابرایی بعضی از فرمایشتان را مماشات فرمودید.

استاد: بله، وقتی ضوابط معلوم باشد، خیلی از چیزهایی که عرض میکنم روی این مبنا و آن مبنا است. برای زبان گرفتن و توافق جمعی است.

والحمد لله رب العالمین